



امروزه در عصر آزمون‌های استاندارد، فاکتورهای اصلی تفکر و عمل، برهان و قضاوت جایگاه محکمی ندارند انگار که از پنجره به بیرون پرت شده‌اند، دقیقاً مانند روند رو به رشد معلمان مهارت‌زدا که مشابه تکنسین‌های شبه‌روبات ۲ اقدام کرده و تدریس را به بهایی اندک فقط در خدمت امتحان در می‌آورند.

Henry A. Giroux (1943-Present)

### نگاهی به زندگی شخصی و علمی

هنری آرماند ژيرو<sup>۳</sup> در سپتامبر ۱۹۴۳ در شهر پراویدنس ایالت رود آیلند<sup>۴</sup> در ایالات متحده آمریکا متولد شد، وی در آغاز زندگی حرفه‌ای‌اش، حرفه معلمی را انتخاب و شش سال را به عنوان معلم مطالعات اجتماعی به تدریس پرداخت؛ اما پس از شش سال به دانشگاه بازگشت و دکترای خود را از کارنگی ملون<sup>۵</sup> در سال ۱۹۷۷ دریافت کرد. وی پس از دریافت مدرک دکتری، از سال ۱۹۷۷ استاد تعلیم و تربیت دانشگاه بوستون<sup>۶</sup> شد و تا سال ۱۹۸۳ در آنجا به فعالیت مشغول بود. وی سپس از سال ۱۹۸۳ به عنوان استاد تعلیم و تربیت و محقق شناخته شده در دانشگاه میامی<sup>۷</sup> در شهر آکسفورد ایالت اوهایو مشغول به کار شد. در آنجا وی، همچنین به عنوان مدیر یک مرکز تربیتی و مرکز مطالعات فرهنگی ایفای نقش می‌نمود. وی سپس در سال ۱۹۹۲ به دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا رفت؛ جایی که او کرسی استادی و اتزبری<sup>۸</sup> در دانشگاه را تصاحب و تا سال ۲۰۰۴ آنجا ماند. او همچنین به عنوان مدیر انجمن و اتزبری در تعلیم و تربیت و مطالعات فرهنگی نیز فعالیت می‌کرد. او از سال ۲۰۰۴ با کرسی استادی به دانشگاه مک‌مستر<sup>۹</sup> کانادا نقل مکان کرد و در حال حاضر دارای کرسی استادی تلویزیون شبکه جهانی<sup>۱۰</sup> در حوزه ارتباطات در دانشگاه مک‌مستر انتاریو، کانادا مشغول فعالیت و پژوهش است.

ژيرو به عنوان یک صاحب‌نظر آمریکایی-کانادایی به خاطر پژوهش و نظریه‌پردازی در حوزه‌های پداگوژی انتقادی، تربیت عمومی و آموزش عالی، مطالعات فرهنگی، مطالعات جوانان، و مطالعات رسانه شناخته شده است. به‌گونه‌ای که در هر یک از این زمینه‌ها به عنوان یکی از شاخص‌ترین ایده‌پردازان به حساب می‌آید. ژيرو در سال ۲۰۰۲ در بررسی انتشارات بین‌المللی روتلج<sup>۱۱</sup> به عنوان یکی از ۵۰ صاحب‌نظر تأثیرگذار تعلیم و تربیت انتخاب شده است. از وی بیش از ۴۵ کتاب، ۳۳۰ مقاله، ۱۸۵ بخش از کتاب منتشر شده است. همچنین ژيرو به پاس پژوهش‌هایش در حوزه‌های بالا جوایزی معتبر بین‌المللی و گرنت‌های متعدد پژوهشی را به دست آورده است. علاوه بر پژوهش و نظریه‌پردازی، ژيرو به عنوان سردبیر یا عضو هیئت تحریریه بیش از بیست مجله معتبر بین‌المللی در حوزه تعلیم و تربیت، رسانه، سیاست همچون مروری بر تعلیم و تربیت، پداگوژی و مطالعات فرهنگی<sup>۱۲</sup>؛ برنامه درسی و تدریس<sup>۱۳</sup>؛ مجله تعلیم و

Smansoori06@Gmail.Com

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اردکان

2. Semi- Robotic
3. Giroux
4. Providence (In Rhode Island)
5. Carnegie-Mellon
6. Boston University
7. Miami University
8. Waterbury Chair Professorship
9. McMaster University
10. Global Tv Network Chair Professorship
11. Routledge
12. The Review Of Education/Pedagogy/Cultural Studies
13. Curriculum And Teaching



تربیت<sup>۱</sup>؛ مجله نظریه‌پردازی در برنامه درسی<sup>۲</sup>؛ جستارهای برنامه درسی<sup>۳</sup>؛ مجله تربیت پسالستعماری<sup>۴</sup> و... ایفای نقش می‌کند. به علاوه؛ ژيرو یکی از نمایندگان برجسته‌ی نظریه مقاومت، برنامه درسی سیاسی، پداگوژی انتقادی و مبدع پداگوژی مرزی<sup>۵</sup> می‌باشد.

### شرح و تفسیر اندیشه و افکار

ژيرو در تمام حوزه‌های مختلف از جمله تعلیم و تربیت، مطالعات فرهنگی، مطالعات جوانان، خط فکری نئومارکسیستی را دنبال کرده، به همین جهت وی را بیش از اینکه در یک فیلد علمی بشناسند به عنوان یک نظریه‌پرداز انتقادی می‌شناسند که در مقابله با تفکر سرمایه‌داری ایستاده و به نظریه‌پردازی پرداخته است. اما با این حال در همه حوزه‌ها سعی کرده از پداگوژی انتقادی و تعلیم و تربیت عمومی صحبت به میان بیاورد (ژيرو، ۲۰۰۴، الف)؛ زیرا وی معتقد است که تعلیم و تربیت انتقادی یک بدنه از دانش ویژه نیست بلکه در همه جا و هر حوزه‌ای می‌تواند مطرح باشد (۱۹۸۸).

قبل از بررسی دیدگاه‌های ژيرو، درباره اثرپذیری وی می‌توان گفت که همچون سایر نظریه‌پردازان انتقادی تعلیم و تربیت عمدتاً از مکتب فرانکفورت اثر پذیرفته است. علاوه بر مکتب فرانکفورت، یکی از اثرهایی که تأثیر چشم‌گیری بر ژيرو داشته کتاب بولز و جینتیس<sup>۶</sup> با عنوان آموزش مدرسه‌ای در آمریکای سرمایه‌داری<sup>۷</sup> (۱۹۷۶) است؛ این کتاب تأثیرگذار منجر به نظریه بازتولید در تعلیم و تربیت شد و دیدگاه‌های اولیه ژيرو حول پداگوژی انتقادی و برنامه درسی تا حد زیادی از آن تأثیر پذیرفت. ژيرو در مورد این کتاب می‌گوید که این اثر از این لحاظ اهمیت دارد که زبان جدیدی را ابداع نموده که مرزهای نقد سنتی مربوط به دیوئی و پیروانش را درنوردیده است (ژيرو، ۱۹۹۲). خود نظریه بازتولید و کتاب مذکور الهام گرفته از اندیشه‌های مارکس است. ژيرو در کتاب عبور از مرزها، اظهار می‌کند که درک ماهیت پداگوژی انتقادی وابسته به درک مارکسیسم است (ژيرو، ۱۹۹۲). ژيرو با الهام از نظریه بازتولید و نقدهای موجود در آن به ایده‌پردازی حول نظریه مقاومت دست زد که بر خلاف نظریه بازتولید، کنشگران را فاعلانی توانا در نظر می‌گرفت که می‌توانند در مقابل جریان موجود مقاومت کنند. موریسون<sup>۸</sup> نیز نقدهای ژيرو را عمدتاً مرهون نظریه انتقادی متفکران مکتب فرانکفورت می‌داند (پین، ۱۳۸۶). علاوه بر این نمی‌توان از تأثیر فریره و گرامشی به عنوان دو نظریه‌پرداز رویکرد انتقادی بر دیدگاه‌های ژيرو چشم‌پوشی کرد. در کل می‌توان اندیشه انتقادی نئومارکسیستی، که بیش از همه در قالب نظریه‌ی انتقادی مکتب فرانکفورت و آرای اندیشمندان این مکتب، متجلی شده است را مبنای نظریه‌پردازی هنری ژيرو دانست.

### پداگوژی انتقادی

اصلی‌ترین کلید واژه‌ای که ژيرو در ادبیات نظری خود به خدمت گرفته، پداگوژی انتقادی یا رادیکال است. این واژه هم مبین نگاهی خاص از تعلیم و تربیت نئومارکسیستی است که از نظر ژيرو نه تنها خنثی نیست، بلکه عملاً با مسأله سیاست گره خورده است. ژيرو پداگوژی را همچون شکلی از امر سیاسی، اخلاقی، و تولید اجتماعی در نظر می‌گیرد که عرصه‌ای حیاتی برای تبدیل نمودن دانش‌آموزان به فاعلانی سیاسی در قالب شهروندانی منتقد و فعال را فراهم می‌آورد (ژيرو، ۱۹۹۲؛ ۲۰۰۴، ب). این عبارات نمونه‌ای از عقاید ژيرو در مورد آموزش و پرورش است، به طوری که وی در کل آثارش، از نوعی هویت سیاسی آموزش و پرورش سخن می‌گوید و معتقد به پداگوژی رادیکال یا انتقادی است. ژيرو شماری از ایده‌ها و نکاتی را مطرح می‌کند که مربوط به پداگوژی انتقادی است و دربردارنده جنبه‌های سیاسی نظام آموزشی، لزوم درک و تحول جامعه و مدرسه، و نقش کلیدی معلمان در این فرایندها می‌باشد (فیشمن و مک-

1. Journal Of Education
2. Journal Of Curriculum Theorizing
3. Curriculum Inquiry
4. Journal Of Postcolonial Education
5. Border Pedagogy
6. Bowles & Gintis
7. Schooling In Capitalist America
8. Morrison

لارن<sup>۱</sup>، (۲۰۰۵). پداگوژی انتقادی به عنوان یک حوزه، دربردارنده مجموعه‌ای گوناگون رویکردهایی در آموزش است که گاهی از آن‌ها به عنوان آموزش آزادی‌بخش، رهایی‌بخش، تحول‌آفرین یا فرارونده، نام برده می‌شود (هووی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). این نوع پداگوژی بر اهمیت پرورش سوادهای چندگانه تأکید دارد؛ یعنی آن دسته از سوادهای اجتماعی که کاربردی، فرهنگی و انتقادی دارند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۶). ژيرو پداگوژی انتقادی را گفتمانی می‌داند که از تقدّم و محوریت اخلاق و سیاست در نظریه و عمل آموزشی حمایت می‌کند. پداگوژی انتقادی، مدارس و سایر مؤسسات آموزشی را نه فقط عرصه‌های آموزشی، بلکه همچنین مکان‌هایی می‌داند که در آن‌ها فرهنگ، قدرت و دانش، در راستای خلق هویت‌ها، روایت‌ها و کنش‌های اجتماعی خاصی، با هم گرد می‌آیند (ژيرو، ۲۰۰۶). مدافعان این نوع تربیت از کارکرد مدارس در راستای رشد فردی و تحول اجتماعی حمایت می‌کنند و کلاس درس را مکانی جهت به چالش کشیدن نابرابری اجتماعی و بنیاد نهادن یک جامعه بهتر می‌دانند. ژيرو در برنامه درسی و آموزش تأکید ویژه‌ای به آموزش شهروندی، آموزش انتقادی، سواد فرهنگی دارد تا از این طریق دانش‌آموزان بتوانند منابع قدرت را به نقد بکشانند (۲۰۰۴، ب). ژيرو معلمان را به عنوان کارگران فرهنگی (۱۹۹۲؛ ۲۰۰۶) و روشنفکران مردمی (۲۰۰۴، ب) قلمداد کرده و معتقد است معلمان موظفند تا فضای موجود نظام آموزشی را به چالش بکشانند.

### پداگوژی مرزی

یعنی از راهکارهایی که ژيرو مطرح و از آن حمایت می‌کند پداگوژی مرزی یا حاشیه‌ای است (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۴). ژيرو با تأکید بر گروه‌های جانبی یا به حاشیه رانده‌شده، ضرورت توجه به تربیت آنان را خاطر نشان می‌کند. در جامعه‌ای که سرشار از وحشت، نابرابری و محرومیت‌های تحمیل شده است، گروه‌های بسیاری به حاشیه رانده می‌شوند و صدایی در برنامه‌ی درسی مدارس ندارند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۶). در حمایت از همین گروه‌های به حاشیه رانده شده است که ژيرو از کثرت‌گرایی فرهنگی<sup>۳</sup> در عرصه‌ی آموزش و پرورش حمایت و دیدگاه‌های سنتی مربوط به میهن‌پرستی، فرهنگ اصیل، و هویت ملی را مورد انتقاد قرار می‌دهد (ژيرو و مک لارن، ۱۹۹۳). وی عقیده دارد که دیدگاه سنتی با دست‌آویز قرار دادن اهداف محافظه‌کارانه‌ی آموزش که در عباراتی نظیر: انتقال یک تاریخ ملی اصیل، سواد فرهنگی یک‌دست و استاندارد، و همچنین یک هویت ملی واحد که هر شهروندی باید آنرا بپذیرد، موجب نادیده‌گرفتن تفاوت‌ها می‌شود. ژيرو اعتقاد دارد که دیدگاه‌های محافظه‌کاران علاوه بر تهدید فرهنگ و دموکراسی، به طرز خطرناکی موجب بروز گفتمان نژادپرستی می‌شود. در حقیقت وی معتقد است که مرزبان نیازمند تعریفی از کثرت‌گرایی فرهنگی هستند که امکاناتی را در اختیار آنان قرار دهد تا مدارس را به مکان‌هایی تبدیل نمایند که در آن دانش‌آموزان و معلمان بتوانند با گذشتن از خط قرمزها، در تأملات انتقادی و نژادی که موجب اجتماع گونه‌گونی از فرهنگ‌ها برای گفتگو با یکدیگر می‌شوند، شرکت نمایند (ژيرو، ۱۹۹۲). بنابراین برنامه درسی مطلوب ژيرو برنامه‌ای است که در آن صداهاى دیگر نیز شنیده شود. برای این کار ژيرو پیشنهاد می‌کند که برنامه درسی باید بر اساس منابع فرهنگی که یادگیرندگان با خود همراه دارند، تدوین شود و مدرسان نیز باید در زمینه تدوین نوعی برنامه درسی اقدام کنند که با توجه به زمینه فرهنگی و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند تهیه شده باشد (ژيرو، ۲۰۰۶). ژيرو معتقد است از طریق پداگوژی مرزی معلمان و دانش‌آموزان قادر می‌شوند تا تربیت را امری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ببینند (۱۹۸۸). بنابراین ژيرو در پداگوژی مرزی سعی دارد از طریق توجه به دانش‌آموزان به حاشیه رانده شده و اقلیت‌های فرهنگی، صدای آنها در برنامه درسی شنیده شود و همین جاست که وی به مقابله با دموکراسی مرسوم بر می‌خیزد، زیرا در این رویکرد عملاً صدای یک گروه در تربیت شنیده می‌شود و بقیه گروه‌ها با عناوینی عقلانی چون فرهنگ ملی، یا فرهنگ استاندارد مجبورند به حاشیه رانده شوند.

1Fischman & McLaren

2Hovey

3Multiculturalism

## نظریه مقاومت

یکی دیگر از کارهای ژيرو توسعه و تدوین نظریه مقاومت در تعلیم و تربیت است. بحث ژيرو در نظریه مقاومت این است که سلطه فرهنگی در عین پنهان بودن، بسیار غالب و فراگیر است و بنابراین معلمان و دانش‌آموزان باید از هر فرصتی برای مقاومت در برابر آن استفاده کنند. آنان باید در جستجوی "رخنه‌هایی در این سپر سخت" باشند و این اقدام متضمن بازپرسی انتقادی از برنامه‌های درسی، برای طرح این پرسش است که در این برنامه‌ها چه فرهنگ‌هایی مورد تأیید قرار گرفته و چه فرهنگ‌هایی مسکوت گذاشته می‌شوند، خواه این پرسش بر اساس مقولات نژاد، طبقه و جنسیت باشد و خواه بر اساس تعلق به خرده‌فرهنگ‌ها (پین، ۱۳۸۶). حرف ژيرو در نظریه مقاومت این است که اگر طبقات زیر دست نسبت به شرایط خود آگاه شوند می‌توانند برای براندازی سلطه‌گرانی که آنها را به استثمار و استضعاف می‌کشانند، به مبارزه برخیزند (ژيرو، ۱۹۸۳، ۱۹۸۱، ۱۹۹۱). در نظریه مقاومت، مدرسه نهاد نسبتاً مستقلاً است که نه تنها امکان بروز رفتار مخالفت‌آمیز را فراهم می‌سازد، بلکه نوعی منبع تناقض نیز هست. به همین جهت برخی اوقات، بر خلاف علایق و منافع گروه حاکم عمل می‌نماید. مدرسه نهادی صرفاً اقتصادی نیست، بلکه عرصه‌ای سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی است که تا حدودی مستقل از اقتصاد بازار سرمایه‌داری است و در این محیط معلمان به عنوان کارگران فرهنگی و دانش‌آموزان به عنوان فاعلانی توانا در مقابل خواست‌های طبقه مسلط می‌توانند مقاومت کنند (آرونوویتز و ژيرو، ۲۰۰۳). از این منظر مقاومت عبارت است از اقدامات آگاهانه و ناآگاهانه که به وسیله کسی برای به چالش کشیدن سلطه و ارزش‌های مسلط موجود در جامعه و یا مدرسه انجام می‌گیرد. نظریه‌پردازان انتقادی از جمله ژيرو مقاومت را از کج‌رفتاری متمایز دانسته و آن را به عنوان کنش‌های ممکن برای تحول اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌کنند (کانپول، ۱۹۹۹).

در رابطه با پژوهش‌ها و پروژه‌های ژيرو می‌توان گفت که وی همچون سایر نئومارکسیست‌ها بیش از اینکه به دنبال پروژه‌های عملی باشد به دنبال ایده‌پردازی نظری و نقد وضع موجود می‌باشد. با این حال می‌توان برخی از پژوهش‌های مهم وی در حوزه تربیت و برنامه درسی را ایدئولوژی، فرهنگ و فرایندهای آموزش مدرسه‌ای (۱۹۸۱)، نظریه و مقاومت در تعلیم و تربیت (۱۹۸۳)، برنامه درسی پنهان و آموزش اخلاقی: فریب یا اکتشاف (۱۹۸۳)، معلمان به مثابه روشنفکران: به سوی یک پداگوژی انتقادی درباره یادگیری (۱۹۸۸)، بین مرزها: پداگوژی و سیاست‌های مطالعات فرهنگی" (۱۹۹۳)، به عنوان ویراستار، پداگوژی و سیاست‌های امید: نظریه، فرهنگ و آموزش مدرسه‌ای (۱۹۹۷) را نام برد.

## انعکاس دیدگاه‌ها و نظرات ژيرو در برنامه درسی

ژيرو و سایر صاحب‌نظران نظریه انتقادی، برنامه درسی را از حالت تکنیکی و خطی خارج ساخته و آن را در نگاهی کلان و مبتنی بر دیدگاه‌های سیاسی تحلیل نمودند. در واقع شاید اصلی‌ترین کمک در تغییر و جهت‌گیری در مطالعات برنامه درسی را جریان بازسازی-گرایان مفهومی در برنامه درسی ارائه داده باشند که عمده‌ترین آنها ژيرو و اپل می‌باشد. چرا که تا قبل از دهه ۷۰ میلادی سایه سنگین علم‌گرایی و سنت‌گرایی به حدی این رشته را در بر گرفته بود که سایر صاحب‌نظران و رویکردهای دیگر امکان ابراز و طرح دیدگاه‌های جایگزین نداشتند. در این فضا نظریه‌پردازانی همچون ژيرو با در دست گرفتن علم سیاسی و مطرح کردن دیدگاه‌های نئومارکسیستی در برنامه درسی این رشته را از فضای تکنیکی که تحت عنوان برنامه‌ریزی درسی شناخته می‌شد به مطالعات برنامه درسی و حوزه‌ای به شدت متأثر از فرهنگ و سیاست قلمداد نمودند و معلمان را به عنوان کارگزاران برنامه درسی تحت عناوین کارگران فرهنگی (۱۹۹۲؛ ۲۰۰۶) و روشنفکران مردمی (۲۰۰۴؛ ب) قلمداد کرده و آنها را موظف نموده تا به عنوان کاری اخلاقی - سیاسی، نظام سیاسی را به چالش بکشند.

## منابع

پین، مایکل (۱۳۸۶). *فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.

فتیحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۶). *برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید*، جلد اول، تهران: آبیژ.

- Aronowitz, S, Giroux, H. A (2003) *Education under Siege: the Conservative, Liberal, and Radical debate over Schooling*. Routledge & Kegan Paul, London
- Bowles, S. & Gintis, H (1976). *Schooling in Capitalist America: Educational Reform and the Contradictions of Economic Life*; London: Routledge and Kegan Paul.
- Fischman, G. E. and McLaren, P (2005). *Rethinking Critical Pedagogy and the Gramscian and Freirean Legacies: From Organic to Committed Intellectuals or Critical Pedagogy, Commitment, and Praxis*, Cultural Studies, Critical Methodologies, Vol. 5, No. 4, pp. 425-447.
- Giroux, H. A (1981). *Hegemony, Resistance, and the Paradox of Educational Reform*. *Interchange*, 12(2-3), Pp3-26.
- Giroux, H. A (1983). *Theories of Reproduction and Resistance in the New Sociology of Education: A Critical Analysis*, *Harvard Educational Review*, 53(3), Pp. 261-293.
- Giroux, H. A (1992) *Border Crossings: Cultural Workers and the Politics of Education*. New York: Routledge.
- Giroux, H. A (1992). *Curriculum, Multiculturalism, And the Politics of Identity*, NASSP Bulletin. Vol 76, No 1. pp 12-24.
- Giroux, H. A (2004,A). Cultural Studies, Public Pedagogy, and the Responsibility of Intellectual. *Communication and Critical/Cultural Studies*. Vol. 1, No. 1, pp. 59-79
- Giroux, H. A (2004,B) *Critical Pedagogy and the Postmodern/Modern Divide: Towards a Pedagogy of Democratization*. *Teacher Education Quarterly*. Vol. 31, No.1, Pp. 31-47
- Giroux, H. A (2006). *Higher Education Under Siege: Implications for Public Intellectuals*, Thought and Action, pp. 63-78.
- Giroux, H. A. (1988). *Schooling and the struggle for public life: Critical pedagogy in the modern age*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Giroux, H. A. (1991). Democracy and the discourse of cultural difference: Toward a politics of border pedagogy. *British Journal of Sociology of Education* 12(4): 501-20.
- Giroux, H. A., and McLaren, P. (1993 Eds). *Between borders: Pedagogy and the politics of cultural studies*. London: Routledge.
- Kanpol, B (1999). *Critical Pedagogy: An Introduction*. Westport, CT, USA: Greenwood Publishing Group, Incorporated.

### Further Reading

- Giroux, H. A (1980) *Reproduction and Resistance in Classroom Pedagogy*, *Social Practice*, pp. 61-64.
- Giroux, H. A (1980) "The Politics of Student Resistance in Classroom Pedagogy", *Journal of Education*, Vol. 163, No.3, pp. 75-91.
- Giroux, H. A (1988) *Teachers as Intellectuals: Toward a Critical Pedagogy of Learning*. Bergin and Garvey Publishers . New York
- Giroux, H. A (1992) "Curriculum, Multiculturalism, and the Politics of Identity," *National Association of Secondary School Principals* 76(548) , pp. 1-11.
- Giroux, H. A (2006) *America on the Edge: Henry Giroux on Politics, Education, and Culture*. Palgrave. New York.
- Giroux, H. A. (1983) "Curriculum Theory, Textual Authority, and the Role of Teachers as Public Intellectuals," *Journal of Curriculum and Supervision* 5(4), pp. 361-383.
- Giroux, H. A. (1991) *Border Pedagogy and the Politics of Postmodernism*. *Social Text*, 28 pp. 51-67
- Giroux, H. A. (2001) *Theory and Resistance in Education*. Bergin and Garvey